

گردش نوروز

با مقاله مفصل و مصور و مهمتغ ایرج افشار به عنوان «گشتی در خاک یزد» این یادداشت‌ها زاید است، ولی چون در نگارش آن ساعتی تباه شده است، چه شود اگر خوانندگان هم دقایقی از اوقات خود را در مطالعه آن تباه کنند البته به میل خودشان. حبیب یغمائی

در ایام نوروز معمولاً کسانی که وسایل کافی دارند از محل اقامت خود به نقاطی دیگر از ایران و خارج از ایران مسافرت می‌کنند که از خرمی و گرمی مطبوع هوا و از شادابی و سبزی زمین و از سرگرمی‌ها و تفرج‌ها بهره‌وری یابند و خستگی‌های سال کهنه را بیفکنند و نفسی تازه بر آرند.

به تقلید منعمان؛ بنده نویسنده هم بی وسایلی که می‌باید عزم سفر کرد. بکجا؟ به ریگستان‌ها و نمک‌زارهای یزد و کرمان ...
جام می‌و خون دل هر یک بکسی دادند

در دایرة اوضاع تقسیم چنین باشد
شرح مسافرت اگر مشتمل بر مطالبی آموزنده نباشد به خوانندش نمی‌ارزد و این یادداشت‌ها از آن‌گونه است مگر برای کسانی که به اوضاع و احوال و اشخاص این نقاط آشنائی و علاقه داشته باشند. لطفی که هست در اختصار و کوتاهی آن است.

● چند فرسنگ از نائین گذشته به سمت یزد، در ساعت ۱۶ و ۵۲ دقیقه از رادیوی اتوبوس تشریفات تجدید سال مسموع افتاد. مسافران که چند تن بیش نبودند به یک دیگر تبریک گفتند و جعبه‌های شیرینی را به پیش داشتند.

● چند سال پیش در بین راه یزد به اصفهان در نزدیکی اردکان با اصطکاک شدید دو اتوبوس بیش از هشتاد تن مسافر تلف شدند. این پیش‌آمد موجب شد که این راه بطور ناقص قیراندود شود. با این که راهی باریک و ناتمام است باز مفید است که از تصادفات شدید کاسته شده است.

باید دانست در راه‌هایی که آسفالت نیست - مخصوصاً در ریگ زارهای یزد و کرمان، همواره طبقه‌ای از گرد و خاک غلیظ فضای فوقانی مسیر راهی پوشاند بطوری که رانندگان اتوبوس یک دیگر را از چند متری نمی‌بینند. با این آسفالت‌گونه، در راه اصفهان به یزد خطر بر خورد کم شده است ولی از یزد به کرمان که جاده‌ی خاکی از گرد و غبار پوشیده است، خطر اصطکاک همچنان هست.

● به مناسبت ایجاد کارخانه ذوب آهن در اصفهان، و احتیاج مبرم به معادن بافق، خط آهنی مستقیم از کارخانه ذوب آهن به بافق کشیده شده ولی مورد استفاده مسافران نمی‌تواند باشد.

● بافق دارای معادن آهنی است که سدی هشتاد آهن خالص دارد . مهم ترین معادن آهن بافق در ناحیه چغارت و نارکان است در ساند فرسخی شمالی بافق . می گویند در سال ۱۳۱۰ مهندسین آلمانی به اعمیت معادن آهن بافق آگاهی یافتند ، و در زمان مرحوم رضاشاه قرار بود در بافق کارخانه ذوب آهن بنا شود . بافق در حدود پنج هزار جمعیت دارد . بیست قنات کوچک و بزرگ آن را مشروب می کنند که مهم تر از همه همنیه و بنامه است و آب هنیه گوارا تر .

● چاه عمیقی در راه قطرم در ناحیه دولتلی (دو تبه نزدیک هم است) حفر کرده اند . بافقی ها بیم دارند که چسبون آب از چاه بر آید آب قنات ها کاستن گیرد . اکنون مهندس ها به استخراج سنگ آهن مشغول اند و برای چهار هزار خانه نوساز لوله کشی می کنند که بافق را بصورت شهر کی صنعتی در آورند . غیر از معادن آهن این ناحیه در معادن زغال سنگ نیز هست ، و شاید کان های دیگر نیز باشد .

● در یزد دو میهمانخانه مجهز و آبرو بند است . اول میهمانخانه سفاتیبه در چند کیلومتری جنوب یزد در منطقه جدید الاحداث سفاتیبه که با میهمانخانه های خوب اروپا (مخصوصاً از حیث قیمت) برابر است ، و دیگر میهمان سرای یزد در حیابان کرمان . . . اما مسافرین بی اتومبیل و کم پول باید در میهمان خانه های درجه دوم فرود آید و ماجنن کردیم یعنی در میهمانخانه آریا که از آرامی و نظافت کم مانند است بار افکنند .

● آقای ایرج افشار روز پیش به یزد آمده بود . وی در نظر دارد تاریخی جامع و کامل از آثار و ابنیه تاریخی یزد و حوزه یزد تألیف فرماید . صبح نوروز با اتومبیل مجهز او به دهکده ها و مزرعه های اطراف که در ریکزارها و کازه ها پراکنده اند رفتم . آب انبارها و مسجد خرابه ها و قلعه کهنه ها و ویرانه های بسیار خراب و مملو از ریگ دیدیم . چون غالب کتیبه ها در قسمت فوقانی دیوارها و محراب مسجدها نصب شده ، ایرج بر میز شکسته ای نردبان شکسته ای لرنده می گذاشت و با پارچه کهنه ای مرطوب گرد و خاک کتیبه ها را می سترد و می خواند و نسخه بر می داشت و عکس برداری می کرد ، اگر احیاناً نردبان سقوط می کرد مضمون شعر سعدی مصداق می یافت ! ولی کار عشق است و عشقی جنون آمیز .

● در آن روز ، یعنی روز عید پیش از شصت فرسنگ راه پیمودیم و بیش از بیست قریه و دهکده را بازدید کردیم . . . اسامی این دهکده ها و بناها و کتیبه ها را ایرج افشار در تألیف خود به تفصیل یاد خواهد کرد .

● دهات اطراف یزد غالباً در ریکزارها و بیابان های خشک واقع است . کاریزها بیشتر بایراقتاده و در عمارت های گلی و خشتی که ظاهری فریبنده دارد کسی ساکن نیست . علت اصلی خرابی دهات ، دلسردی ده داران و ناتوانی کشت و رزان است که در لارویی قنات هیچگونه اهتمام ندارند . در بعضی از نقاط چاه های نیمه عمیق زده اند و اندکی کشت و زرع می شود ولی این چاه های مصنوعی در برابر قنات های عمیق ممتد اصیل ارزشی چندان ندارد .

● در شناسائی راه ها و اسامی دهکده ها نقشه بزرگ و با ارزش ایران مورد استفاده بود . این نقشه ها را سازمان نقشه برداری ایران تهیه می کند . بهای هر قطعه با اندازه یک صفحه روزنامه اطلاعات پنج تومان است ، و انصافاً ارزش دارد .

● سازمان نقشه برداری ایران در خیابان پرواز گاه مهر آباد طهران واقع است . این

مؤسسه مفید را مهندس مرعشی اداره می کند. کلاس های عالی نقشه برداری در همین جاست و دانشجویان مستعد پس از پایان دوره تحصیلی به خدمت دولت درمی شوند یا به استقلال کار می کنند .

انواع نقشه های کوچک و بزرگ ساده و برجسته که مورد استفاده و استناد عالمان و جغرافی دانان و مرزداران است در این مؤسسه تهیه می شود .

● در باغ وسیع سازمان، جنب کلاس های درس، نقشه برجسته ایران در مساحتی نزدیک به یک صد متر مربع گسترده است .

ارتفاع کوه ها ، گودی دشت ها و کویرها ، وسعت و عمق دریاچه ها ، جریان رودها ، راه آهن و دیگر راه های اصلی و فرعی همه و همه را می توان دید و سنجید ، و از آب دریای خزر و خلیج فارس و بحر عمان چشید ! ... و گرداگرد مملکت را بقدم سیاحت و تفریح در باغی مملو از سبزه و گل در نوردید ... باری ارزش دارد که دانش پژوهان و علاقمندان به سازمان (خیا بان فرود گاه مهر آباد طهران) بروند و این نقشه را بدقت مشاهده فرمایند .

● روز دوم فروردین برای مشاهده آثار دیگری به سمتی دیگر رفتیم یعنی بطرف تفت و دهکده های آن حدود ... دکتر عباس زریاب خوئی استاد دانشگاه هم که از طهران آمده بود همراهی فرمود. در دهکده فرآشاه ساعتی چند توقف کردیم. در این جامسجدی است که در قرون سابقه خانقاه بوده . بدنه اصلی این عمارت را چند بار کچ اندود کرده اند . وقتی اندوده های طبقات کچی را به ملایمت بکنند و ببدنه اصلی برسند ، خطوطی آشکارا می شود که بزرگان اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بیادگار نوشته اند ... این نوشته ها نظم است و نثر است و حدیث است و اخبار ، بخط نسخ و نستعلیق آن عصر ... شگفتی در این است که خطوط بدنه این بنای گلی چندان محفوظ مانده که بعضی را با سانی می توان خواند . برای نگاهبانی این اثر تاریخی باید اندوده های کچی را به تانی و تأمل بردارند و با قطعاتی از شیشه های ضخیم دیوار را ببوشانند بطوری که خطوط از زیر شیشه نمودار باشد ، و این توقع را تنها از انجمن آثار ملی باید داشت .

نمونه ای از این یادگاری ها خط «محب شیخ ابو بکر علی احمد محمد بار جینی بتاریخ ۶۰۹» است در ذیل یک رباعی که مصراع اولش این است : کی ماند دولت و کامی که مراست .» عکس این خطوط و شرح بنا را در تالیف ایرج افشار باید دید .

● دکتر زریاب از نوادرات و داستان های طبیعت آمیز و اشعار شیرین فارسی و عربی که نقل می فرمود بر لذت و شیرینی این مسافرت تاریخی می افزود بدین نمونه :

می گفت : کولتور و فرهنگ و هنر قدیم و اصیل ایران که نمونه های آن را مشاهده می کنیم و گرچه در مرتبتی اعلی بوده اکنون مرده است و نمی توان آن را زنده کرد. فردوسی در عصر خود شاعری بزرگ بوده اما دوره او گذشته و اکنون عصر نوپردازان و تصنیف گویان است ، که باید فرهنگ و کولتوری از نو بوجود آورند ...

در طی داستان های طبیعت آمیز حکایت کرد که :

فاضل دربندی در عصر عاشورا به منبر رفت و در ضمن ذکر مصیبت استشمامی کرد و گفت «بوی کهنه آتش گرفته می آید ؛» بعضی از حاضران بتصور این که آتشی از قلیان افتاده از جای جستند . فاضل فریاد کرد و گفت : «گویا این بوی سوختگی خرگام و خیمه

حسین است که شیون و غوغا از مجلس برخاست. امام جمعه خوئی هم به پیروی او همین زمینه را چید و چون ترکها «ژنده» را «جنده» تلفظ می کنند گفت: «بوی جنده می آید!» ناگهان چندتن از زنان از مجلس برخاستند و تصور کردند. امام جمعه بکرامت بوی آنان را استشمام می کند و می شناسدشان.

● و نیز نقل می کرد: تاج نیشابوری روزه خوان معروف معاصر ناصرالدین شاه نتوانست در دهه عاشورا خود را به طهران برساند مگر ظهر روز تاسوعا. مستخدمان تکیه دولت را با انواع وسایل راضی کرد که آخر از همه روزه خوانها به منبر رود و يك دقیقه بیش نخواند. وقتی به منبر رفت شاه و بزرگان از این که آخوندی ناشناخت و ناخوانده به منبر رفت متعجب و متعجب شدند. تاج بی هیچ مقدمه گفت من فقط يك بیت می خوانم. آنگاه در دستگاه شور با آهنگی بسیار خوش و گیرنده این بیت را خواند:

فردا بیاغ وعده آن سرو قامت است

یاران حذر کنید که فردا قیامت است

از آهنگ خوش خود غوغائی عجیب برانگیخت و شاه را فریفته خود ساخت و در طهران معروف و بنام شد.

● گاهی نیز لغات و اصطلاحاتی مورد بحث واقع می شد. از جمله در کتیبه جامع یزد ماهی بریزان یاد شده که مقصود صنفی است که ماهی را برشته می کنند. چون جگر بریزان، نخود بریزان، چنان که یغما جندقی در قطعه معروف خود گفته است:

آهی ز جگر کشید و گفت آخ ملا حسن نخود بریزان است

● در میدان میرچخماق یزد گلدسته ها و ایوان هائی اس که در نهایت ظرافت کاشی کاری شده و گویا از عصر قاجاری است.

شهرداری یزد شاید از نظر وسعت میدان در صدد برآمده که ایوانها و منارهها را خراب کند. همین که دست بکار خرابی می شوند و چند رج آجرهای سردیوار را می افکنند مردم با ذوق یزد از خرابی آن جلو گیری می کنند. اکنون اگر بخواهند آن خرابی ترمیم شود و بصورت نخستین درآید مبلغی خطیر هزینه برمی دارد.

● در یزد چند خانه مسکونی بنام هست که بکصد تا یکصد و پنجاه سال پیش ساخته شده. یکی از این ساختمانها را فرقه ای از متصوفه خریداری کرده اند و خانقاه می نامند. با استجازه از آقای مودت که خانقاه را خریده و نگاه بان آن است آن را بازدید و تماشا کردیم و از مشاهده نقاشیها و ترکیب تزیینات رنگین و ظریف پنجره های شگفت انگیز آن لذت بردیم. یکی دو خانه دیگر که با همین طرز معماری و نقاشی نیز دیده شد. در یزد بناهای تاریخی و مذهبی بسیار است که مشاهده و بازدید آنها مخصوصاً اگر بانی و معمار و تاریخ آبادی و خرابی آن شناخته شود کیفیتی خاص می بخشد و ما در چند روز توقف از درک این کیفیت بی بهره نماندیم. تمام

مجله یغما - قسمت های بعدی این یادداشت شاید چاپ نشود و اگر این چهار صفحه هم چیده نشده بود از چاپش صرف نظر می شد.